

مسئله دستمزدها و چانه زنی آخر سال



منصور تبریزی / فوریه ۲۰۲۲

و تولید کارگران را تصاحب می کنند، از هزاران راه برای افزایش سهم خود، برای کاهش فزاینده میزان کار بامزد و افزایش بدون مهار کار بدون هیچ مزد برنامه می ریزند و این برنامه را با قدرت علیه کارگران اعمال می کنند. تاریخ سرمایه داری شاهد بسیار گویای این واقعیت بسیار زشت است. این مسأله را فراموش نکنیم که با همه اعتصابات، اعتراضات، کشاکش در ایران و جهان، شاهد پایین رفتن هر روزه و هر ساله بهای نیروی کار و طبیعتاً قدرت خرید خود بوده ایم و هستیم. سرمایه با تمام توان و به کمک کل اهرمهایش در حال محکمتر کردن زنجیر بردگی ما و تضعیف لحظه، لحظه قدرت جنگیدن ما است. بعد از چند صد سال مبارزه برای زندگی بهتر و انسانی تر، وضع معیشت، رفاه و امکانات اجتماعی طبقه ما در دنیا نه فقط هیچ بهتر نشده که مدام رو به قهقرا رفته است. این سقوط یا غلطیدن به ورطه فلاکت، فقر، گرسنگی، بدبختی در طول چند دهه اخیر بیش از حد وحشتناک و غیرقابل تحمل شده است. هر چه بیشتر کار کردیم و تولید نمودیم خود گرسنه تر و فقیرتر شدیم، کوه سرمایه طبقه سرمایه دار

هرچه به آخر سال نزدیکتر می شویم شاهد چانه زنی سرمایه داران و نماینده سیاسی آنها (جمهوری اسلامی) از یک طرف و کارگران از سوی دیگر می باشیم. این چانه زنی را میتوان در جای، جای جهان سرمایه داری به تماشا نشست. کشمکشی میان دو طرف که یکی میخواهد مزد کمتری بدهد، کار بی مزد، کار اضافی یا ارزش اضافی، سرمایه و انباشت بیشتری داشته باشد. دیگری سعی میکند، کار با مزدش بیشتر شود، کفه بسیار سنگین کار اضافی، کار بدون هیچ مزدش را سبکتر سازد تا از سقوط به ورطه فقر و فلاکت و بیخانمانی بیشتر جلوگیری کند. این گوشه مهمی از مبارزه آشتی ناپذیر میان طبقه سرمایه دار و کارگر است. مبارزه ای که نهایتاً بالا و یا پایین بودن مزد را تعیین می کند. سرنوشت این مبارزه نیز از پیش، همیشه روشن است. کارگران شکست خورند یا پیروز شوند، فرقی نمی کند، آنها حتی اگر به بالاترین قله فتوحات رسند، پیروزی واقعی، حتمی، شکوهمند از آن سرمایه داران و طبقه آنها است. به هر حال آنهایند که باز هم ۹۰ درصد، ۹۵ درصد و گاه بسیار بیشتر از کل حاصل کار

کوهساران شد و سر به فلک کشید و ما فقط مفلوک تر، آواره تر، بیکارتر شده ایم. این سقوط رعب آور فقط خاص ما کارگران ایران نیست. در آلمان، سوئد، انگلستان، کانادا، امریکا هم همین گونه است. دیرزمانی است سرمایه داری فقط با سلاخی روز به روز زندگی ما بقای خود را تضمین می کند.

طبق جدول ارائه شده در یک تحقیق، اگر سال ۱۳۵۸ که مزدها افزایش یافت را سال پایه انتخاب کنیم، حداقل دستمزد واقعی پس از آن، مدام کاهش یافته است. در سال ۱۳۶۹ به پایین ترین سطح خود رسید، به گونه ای که قدرت خرید کارگران کمتر از یک سوم سال ۱۳۵۸ و معادل سطح درآمد واقعی آنها در سال ۱۳۴۹ شده بود. در این مدت کارگران جهت تامین حداقل هزینه زندگی، ساعت ۶ الی ۷ صبح از منزل خارج و ساعت ۹ الی ۱۰ شب به منزل باز می گشتند. سرمایه داران با افزایش سرطانی نرخ استثمار کارگران و ساعات کار بدون هیچ مزد آنها، تراست پشت سر تراست تأسیس می کردند، عظیم ترین هولدینگ ها را می ساختند و سراسر جهنم سرمایه داری را از سرمایه پر می کردند و توده کارگر هر روز مفلوک تر و فقیرتر و حاشینه نشین تر و گورخواب تر می شد. همان گزارشی می گوید که در سال ۱۴۰۰ مزد واقعی کارگران حتی از سال ۱۳۴۹ حدود ۱۰ مرتبه کمتر شده است!

بیائیم قبول کنیم که کارنامه بسیار سیاهی داریم. چندین نسل متوالی است که برای افزایش مزد

مبارزه می کنیم و حاصل مبارزات ما ارقامی است که در بالا آمد. مشکل در همین جا خلاصه نمی شود. قبلا چیزی زیر نام بیمه داشته ایم امروز به طور وحشتناکی سلاخی شده است یا اصلا نداریم. بیکاری دهها بار از امروز کمتر بود. شرکت های آدم فروشی وجود نداشتند یا حداقل همه کاره نبودند، قراردادهای موقت، چند روزه، یک روزه و سفید امضاء نبودند، کارگران مراکز کار دارای ۱۰ کارگر و کمتر حالت بردگان مهدور الدم فاقد هیچ نوع حق نبودند و سرمایه دار به اندازه امروز قادر متعال مایشاء تعیین کننده هر لحظه مرگ و زندگی آنها نبود. تا قبل از میانه دهه ۷۰ حدود ۹۰٪ قراردادهای کار در ایران و در کل جهان «قراردادهای دائم» بودند، ما شب و روز برای افزایش مزد و بهبود معاش اعتصاب و اعتراض و مبارزه می کردیم اما همه اینها با سرعت باد رخ می داد. آیا کل این حوادث فریاد نمی زند که بر روی ریل از همه لحاظ غلطی در حال مبارزه ایم؟! امروز حدود ۹۷٪ قراردادهای شغلی موقت، و کمتر از یک سال هستند. حاکمان سرمایه داری اسلامی با پائین نگه داشتن مزد، ما را به ورطه فقر بیشتر راندند، ما تن دادیم، ضعیف تر و مفلوک تر شدیم. سرمایه داران بیشتر تاختند، هر مقدار امنیت اشتغال ما را آتش زدند، سرمایه داران فقط در ایران این کار را نکردند. همین ۷۴٪ کارگران دنیا با مزد بسیار نازلی که دریافت می کنند قادر به ادامه معاش نیستند، بضاعت دارو و درمان ندارند، عموماً آب آشامیدنی سالم ندارند،

جمعیت عظیمی از آنها فاقد مدرسه و معلم و کلاس درس برای بچه های خود هستند. همه اینها فریاد می زنند که باید میدان مبارزه را عوض نمود. همه چیز می گوید که اگر قدرت پیکار طبقاتی خود را در مقابل قدرت طبقه سرمایه به کار نگیریم نابودی کارمزدی پیشکش!! حتی نمی توانیم به سنار و سی شاهی افزایش مزد هم دست یابیم. طبقه ما بسیار بدجوری باخته است. اگر می خواهیم سطح دستمزد و سطح زندگی ما بیش از این سقوط نکند، باید به مبارزه دائم خود بر علیه سرمایه با شیوه های رادیکال تر ادامه بدهیم، سرمایه دار همیشه مایل است دستمزد را هر چه بیشتر کاهش دهد و زمان کار اضافی را تا حد ممکن طولانی کند. ما باید همیشه جهت عکس این خواسته سرمایه دار عمل و حرکت کنیم، این کار به این بستگی دارد که قدرت کدام طرف نبرد بیشتر است. جبر زندگی و هستی اجتماعی ما است که ما را وادار خواهد کرد که قدرت خود را نه بعنوان کارگر این کارخانه و یا آن کارخانه، بلکه به عنوان آحاد طبقه کارگر متشکل سازیم. قدرت طبقاتی خود را شورائی و سازمان یافته در مقابل طبقه سرمایه دار به نمایش بگذاریم، اگر ما قدرت طبقاتی خود را در مقابل قدرت طبقه سرمایه دار به کار نگیریم مسلماً هر روز وضعمان از روز پیش

بسیار وخیم تر و دهشتناک تر خواهد بود. شکل‌های تاکنونی مبارزات ما تاریخاً شکست خورده، زنگ زده و فاقد ظرفیت لازم برای کمترین موفقیت گردیده است. باید خواستار تسلط بر سرنوشت کار، تولید و زندگی خود شویم. باید صریح و عریان اعلام داریم که در طول سال چه مقدار کار کرده ایم، چه تولید نموده ایم، حاصل کار و تولید ما چه بوده است، ما دهها بار بیش از مزدی که دریافت می کنیم، سرمایه و ثروت و امکانات به وجود می آریم، باید برای خارج سازی بخش هر چه عظیم تر و تمام تر کل حاصل کار و تولیدمان از چنگال طبقه سرمایه دار و دولت‌ش مبارزه کنیم. باید به جای جنگ بر سر مزد کمتر و بیشتر بر سر بودن و نبودن سرمایه داری بجنگیم، باید همین مبارزه جاری برای افزایش مزد را با جنگ واقعی بر سر سرنوشت کار و تولید خویش جایگزین سازیم. برای این کار باید یک قدرت متحد سازمان یافته شورائی و ضد بردگی مزدی گردیم. این قدرت را علیه سرمایه وارد میدان کنیم. با این قدرت سهم هر چه بیشتر حاصل تولید و کار خود را از حلقوم سرمایه داران بیرون کشیم. همزمان این قدرت متشکل شورائی را عظیم تر سازیم و آماده نابودی سرمایه داری گردیم.